

سیدوحید کریمی<sup>۱</sup>

## انگلیس و رؤسای جمهور آمریکا

### چکیده

یکی از برداشت‌های رایج در عرصه سیاست بین‌الملل این است که بعد از جنگ جهانی دوم، کشور آمریکا به دلیل ارتقای نقش و نفوذ این کشور در شکل‌دهی ساختار نهاد‌های بین‌المللی، سرمنشأ تمامی تحولات و بحران‌های جهانی به‌خصوص در منطقه خاورمیانه بوده است. به نظر نویسنده این دیدگاه مطلق نیست و در مقاطع مختلف، رؤسای جمهور آمریکا، به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر سیاست نخست‌وزیران انگلیس قرار داشته‌اند و در راستای منافع این کشور و در نتیجه تشدید بحران‌های بین‌المللی اقدام نموده‌اند.

در این مقاله سعی شده است تا ضمن نظریه‌پردازی درخصوص تأثیرگذاری تعدادی از نخست‌وزیران انگلیس بر راهبرد سیاست خارجی رؤسای جمهور آمریکا طی نیم قرن گذشته، به تشریح نحوه تأثیرگذاری تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین انگلیس، بر سیاست خارجی جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، در جنگ عراق پرداخته شود. بررسی این موضوع به درک بهتر چگونگی تأثیر پذیری سیاست خارجی آمریکا از انگلیس در قبال جمهوری اسلامی ایران و همچنین افزایش شناخت ما از روند تحولات جهانی مؤثر خواهد بود.

### واژگان کلیدی

انگلیس و رؤسای جمهوری آمریکا، نظریه اغفال، وابستگی متقابل، دکترین جامعه جهانی، در هم تنیدگی سیاست خارجی انگلیس و آمریکا.

۱. دکتر سیدوحید کریمی رئیس گروه اروپا و آمریکای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

## مقدمه

فرض عمومی این است که بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ میلادی، کشور آمریکا به دلیل حضور مستقیم در سیاست بین الملل، به خصوص در جنوب غرب آسیا، سرمنشأ اکثر مشکلات سیاسی شناخته شده است، اما استدلال اصلی این مقاله این است که با بررسی مجدد سیاست بین الملل بعد از سال ۱۹۴۵، به نظر می رسد؛ تعدادی از نخست وزیران انگلیس در مقاطع مختلف با هوشمندی از قدرت آمریکا بهره برداری کرده اند و موجب مزمن شدن مناقشه بین آمریکا از یک سو و دیگر کشورها از سوی دیگر شده اند، تداوم این روند باعث بن بست و تشدید بحران جهانی شده است.

وینستون چرچیل<sup>۱</sup> نخست وزیر انگلیس، آمریکایی ها را «بی برنامه» می دانست و معتقد بود آنها را نباید به خود واگذارد. چرچیل معتقد بود آمریکایی ها توان بهره برداری از منابع سرشارشان را ندارند و می بایست راهنمایی شوند «البته بدون اینکه منافع انگلیس نادیده گرفته شود». روزولت<sup>۲</sup> و هری ترومن<sup>۳</sup> رؤسای جمهور آمریکا به آسانی با «ادغام سیاست خارجی انگلیس با آمریکا» که چرچیل طراح آن بود، موافقت نمودند. هارولد مک میلان<sup>۴</sup>، نخست وزیر دهه ۱۹۶۰ میلادی انگلیس، نیز سیاست مداران آمریکایی را به «آماتور ساده اندیش» تشبیه می کرد<sup>(۱)</sup> و جان اف. کندی<sup>۵</sup> رئیس جمهور جوان آمریکا تحت تأثیر احساسات «رابطه ویژه» تأثیرپذیر از مک میلان شد. مارگارت تاچر هم از قدرت آمریکا در شکست آرژانتین بهره جست، اما در جلوگیری از وحدت دو آلمان ناکام ماند. تونی بلر<sup>۶</sup> نخست وزیر پیشین انگلیس هم با آغاز قرن جدید در آستانه ورود به سال ۲۰۰۰ میلادی، «دکترین جامعه جهانی»<sup>۷</sup> انگلیس برای رودررویی با اسلام سیاسی را در دستور سیاست

1. Winston Churchill, 1939-1945, 1951-1955

2. Franklin D. Roosevelt, 1933-1945

3. Harry Truman, 1945-1953

4. Harold Macmillan, 1957-1963

5. John Fitzgerald Kennedy, 1961-1963

6. Tony Blair, 1997- 2007

7. Doctrine of International Community 24 April 1999

خارجی آمریکا قرار داد. جورج بوش پسر<sup>۱</sup> نیز تحت تأثیر تونی بلر قرار گرفت. بلر از قدرت آمریکا در سناقت نمودن صدام در عراق استفاده کرد.

تعدادی از سیاستمداران آمریکایی مثل جورج بال<sup>۲</sup> معاون وزیر امور خارجه دولت کندی به اشتباه سیاست خارجی آمریکا و تأثیرپذیری از سیاست خارجی انگلیس اعتراف نموده‌اند. بعضی دیگر مثل هنری کیسینجر<sup>۳</sup> وزیر امور خارجه آمریکا در دهه ۱۹۷۰، از «درهم تنیدگی» سیاست خارجی آمریکا با انگلیس با افتخار یاد نموده‌اند. با توجه به نفوذ انگلیس در ترسیم سیاست خارجی آمریکا، که در مقاطع مختلف به وقوع پیوسته است، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند راهبرد سیاست خارجی با آمریکا را با توجه به نوع رابطه نخست‌وزیر انگلیس با رئیس جمهور آمریکا مورد تجدیدنظر قرار دهد. تمرکز این مقاله بر روی نقش نخست وزیران انگلیس در هدایت سیاست خارجی آمریکا و ارائه یک چارچوب نظری در این زمینه برای درک بهتر تحولات روابط بین‌الملل می‌باشد.

#### نظریه اغفال<sup>۴</sup>

موضوع مقاله تحت عنوان «نظریه اغفال» یا «اغفال از طریق درهم تنیدگی و درگیرکردن<sup>۵</sup>» تئوری پردازی شده است. شکی نیست که هر روند سیاسی دارای قالب نظری خاص خود است. «شناخت» اساس فهم سیاست بین‌الملل است. نظریه‌های متعددی به این منظور ارائه شده است؛ اما هیچ‌کدام متقاعدکننده نبوده است و نتوانسته‌اند خاتمه جنگ سرد را پیش‌بینی نمایند. با این حساب چگونه یک سیاست خارجی مؤثر را دنبال کنیم؟ می‌توان بر مبنای «تفکر سیاسی بعضی از نخست وزیران انگلیسی»، نظریه جدیدی را پی‌ریزی کرد تا به

1. George Bush, 2000-2008

2. George Ball

3. Henry Kissinger

۴. نظریه اغفال توسط دکتر قاسم افتخاری استاد دانشگاه تهران مورد تأیید واقع شده است.

توضیح: در گزارش کمیته سیاست خارجی سنا (ژوئیه ۲۰۰۴) در انتقاد از سیاست خارجی آمریکا از کلمه «اغفال» استفاده شده است.

5. Manipulation Through Interdependency and Engagement

شناخت بهتر تحولات روابط بین‌الملل کمک نماید.

کنت والتز می‌گوید: «از تجربه نمی‌توان نظریه ساخت»<sup>(۲)</sup>. والتز همچنین می‌گوید: «اگر اطلاعات جدیدی آشکار شوند، نظریه‌پردازی آنها مشکلی است که باقی خواهد ماند»<sup>(۳)</sup>. او بر این باور است که: «نظریه یک تصویر است»<sup>(۴)</sup> و «نظریه باید ابداع شود»<sup>(۵)</sup> و «باید مبتکرانه باشد»<sup>(۶)</sup>. والتز در نهایت می‌گوید: «در طراحی نظریه، شخص باید با ارائه عقیده، نظریه را توصیف کند»<sup>(۷)</sup>. باتوجه به ملاحظات فوق، به باور نویسنده: «از سال ۱۹۴۵ به بعد، به دلیل کم‌تجربگی در روابط بین‌الملل، «منابع و قدرت» آمریکا از طریق «وابستگی متقابل» و «درگیر بودن» مورد «سوءاستفاده» تعدادی از نخست‌وزیران انگلیس، نزدیک‌ترین متحد این کشور واقع شده است و آنها توانسته‌اند به‌گونه‌ای سیاست خارجی آمریکا را هدایت کنند که الگوی سیاسی خاصی را در روابط بین‌الملل حاکم کرده است.

آلن ایزاک<sup>۱</sup> معتقد است علوم سیاسی نیازمند نظریه و ذهنیت نظری نیست.<sup>(۸)</sup> والتز هم معتقد است: «اگر شناخت ما از جهان تأمین‌کننده منافع ما باشد، نیازی به نظریه نیست. اما تشخیص راه درست از میان اطلاعات بی‌کران، تنها از طریق راهبرد نظری امکان‌پذیر است»<sup>(۹)</sup>. در ترسیم نظریه، کنت والتز می‌گوید: «برای بررسی عقلانی، بعضی عوامل بیشتر از دیگر عوامل که بیانگر روابط فیما بین هستند، مورد توجه واقع می‌گردند»<sup>(۱۰)</sup>.

بنابراین، بر سه نکته تأکید خواهد شد: اول، سال ۱۹۴۵ آغاز نظم روابط بین‌الملل بعد از جنگ است، و کماکان همان نظم ادامه دارد. دوم، همان‌گونه که والتز می‌گوید: «یک نظریه رؤیت حوادث و گزارش ذهنیت‌ها نیست، بلکه توصیف آنها است»<sup>(۱۱)</sup>، لذا چگونگی خاص بودن روابط ویژه بین تعدادی از نخست‌وزیران انگلیس (چرچیل، مک‌میلان، تاجر و بلر) با رؤسای جمهور آمریکا (روزولت، کندی، ریگان و بوش) «توصیف» خواهد شد. سوم، با اطلاعات جدید و آشکارشده در سیاست خارجی بعد از ۱۹۴۵، مجدداً درباره سیاست بین‌الملل نظریه‌پردازی می‌کنیم.

سال ۱۹۴۵ را می‌توان آغاز مطالعات مدرن روابط بین‌الملل قرار داد؛ زیرا سازمان‌های جدید بین‌المللی تأسیس شدند که در دهه ۱۹۴۰، وینستون چرچیل، نخست‌وزیر وقت انگلیس، فوانکلین روزولت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا را برای طراحی «نظم جهانی بعد از جنگ» مورد بهره‌برداری قرار داد، اطلاعات جدید این موضوع را ثابت می‌کند. مجدداً در دهه ۱۹۶۰، هارولد مک‌میلان به‌خاطر «پیوستگی سیاسی آمریکا و انگلیس» در زمینه سلاح اتمی، جان اف کندی را مورد تأثیر سیاسی قرار داد تا مسائل امنیتی اروپا و روابط بین‌الملل را سامان‌دهی کند. مک‌میلان هم موفق بود؛ زیرا بعد از سه دهه «اداره اسناد انگلیس»<sup>۱</sup> و دیگر مراکز علمی، اسناد مربوطه را ارائه نموده‌اند. در دهه ۱۹۸۰، مارگارت تاچر نیز توانست رونالد ریگان را جهت ساماندهی روابط بین‌الملل بعد از سقوط شوروی درگیر نماید. باتوجه به دلایل فوق که قابل اثباتند، می‌توان نتیجه گرفت که در آستانه ورود به هزاره جدید، تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین انگلیس، جورج بوش پسر را «اغفال» کرد تا از طریق «وابسته‌ساختن سیاست خارجی آمریکا به انگلیس» و «درگیرکردن» آمریکا در روابط بین‌الملل، سیاست بعد از جنگ سرد را تحت عنوان «دکترین جامعه جهانی» مبتنی بر مداخله در امور دیگر کشورها که در سال ۱۹۹۹ ارائه داد، پیش ببرد.<sup>(۱۲)</sup>

برخی شواهد برای اثبات این موضوع وجود دارد به‌عنوان مثال: طی جنگ جهانی دوم، در ملاقاتی بین هیأت‌های انگلیسی و آمریکایی، یادداشتی در سطل زباله اتاق ملاقات پیدا شد که متعلق به هیأت انگلیسی بود؛ اما آمریکایی‌ها آن را ضبط کردند. متن یادداشت بعد از سه دهه آشکار شد. در متن، طنزی توصیف‌کننده حال و هوای آمریکایی بود: «واقعیت این است که آمریکایی‌ها کیسه پول دارند؛ اما هوش و ذکاوت را ما (انگلیسی‌ها) داریم».<sup>(۱۳)</sup>

وقتی ژنرال دوگل، رئیس‌جمهور اسبق فرانسه، از چرچیل خواست تا اتحاد جدیدی برای همکاری اروپا با فرانسه تشکیل دهد، چرچیل با رد درخواست او گفت: «در سیاست و راهبرد بهتر است در کنار قوی قرار بگیری تا در مقابل او بایستی. آمریکایی‌ها منابع سرشاری

دارند، آنها همیشه از این منابع در جهت منافع خود بهره‌برداری نمی‌کنند. من سعی دارم تا آنها را راهنمایی کنم. البته بدون اینکه منافع کشورم را نادیده بگیرم. من با پیشنهاد کردن به آنها سعی دارم به نحوی مؤثر امور را در مسیر صحیح قرار دهم».<sup>(۱۴)</sup>

مک میلان هم گفت: «انگلیس برای آمریکا مثل یونان برای امپراتوری روم است. یونانی‌ها زیرک‌تر از رومی‌ها بودند؛ مدیریت امور را در دست داشتند؛ و به رومی‌ها هم نمی‌گفتند. تدبیر انگلیس برای رابطه با آمریکا باید همچون یونانی‌ها برای رومیان باشد».<sup>(۱۵)</sup> تاجر هم گفته بود: «ما از اینکه قدرت آمریکا مورد سوءاستفاده قرار گیرد نگران نیستیم. نگرانی اصلی ما این است که آمریکا اروپا را رها سازد. ما باید دنبال سیاست‌هایی باشیم که آمریکا متقاعد شود یک قدرت اروپایی است».<sup>(۱۶)</sup>

بلر آمریکایی‌ها را ترغیب به یک‌جانبه‌گرایی کرد. کمی بعد از تجاوز آمریکا به عراق، بلر در کنگره آمریکا در توجیه اقدام آمریکا خطاب به نمایندگان گفت: «اگر یکی از شهروندان آمریکایی از شما سیاست‌مداران سؤال کند: چرا من؟ چرا ما آمریکایی‌ها؟» به او بگوید: «سرنوشت چنین جایگاهی را برای شما در تاریخ ترسیم کرده است. در این برهه زمانی تکلیف بر دوش شماست تا انجام وظیفه کنید».<sup>(۱۷)</sup> اینها مثال‌های خوبی برای اثبات نظریه «اغفال» است.

بلر دکتربین جامعه جهانی را در ۲۴ آوریل ۱۹۹۹ مطرح کرد. بلر گفت: «ما شاهد آغاز دکتربین جدیدی در جامعه جهانی هستیم. آنچه امروزه آمریکا آماده اجرای آن است، بی‌نیازی به مداخله در امور دیگر کشورها است. کنش ما برای دفاع از ارزش‌هایی است که آنها را زنده نگاه داشته‌ایم. ارزش‌های ما در نهایت با منافع ما گره می‌خورند. توسعه ارزش‌های ما، خود به خود، برای ما دامنه امنیتی ایجاد می‌کند. مهم‌ترین مشکل سیاست خارجی امروز ما این است که در چه شرایطی در مناقشات دیگران مداخله کنیم. مدت‌ها، عدم مداخله یک اصل بین‌المللی محسوب می‌شد. اما این اصل باید از کیفیت احترام گذاشتن هم برخوردار باشد. در جهان نوین، اگر بخواهیم هر اشتباهی را که دیدیم، تصحیح کنیم، بندرت بتوان غیر از مداخله،

اقدام دیگری به عمل آورد. بنابراین، ما تصمیم می‌گیریم کی و چه وقت مداخله کنیم. من از شما (آمریکایی‌ها) می‌خواهم هرگز به فکر دکترین انزوآگرایی نباشید.<sup>(۱۸)</sup> دکترین سال ۱۹۹۹ بلر، هفت ماه قبل از به قدرت رسیدن نومحافظه‌کاران در کاخ سفید به ریاست جمهوری بوش مطرح شد و در سال ۲۰۰۲ بر راهبرد امنیت ملی آمریکا تأثیر گذاشت.

لازم به یاد آوری است که نظریه «بهره‌برداری نخست وزیران انگلیس از آمریکا» مطلق نیست. چنانچه روابط آتونی ایدین، ادوارد هیث و جیمز کالاهان، نخست وزیران انگلیس با هم‌تایان آمریکایی خود «ویژه» نبود. ادوارد هیث، نخست‌وزیر دهه ۱۹۷۰ انگلیس نسبت به سیاست آمریکا مشکوک بود. هیث اصولاً اروپایی فکر می‌کرد که توانست انگلیس را وارد اتحادیه اروپایی کند. ریچارد نیکسون و جیمی کارتر هم نه تنها نسبت به انگلیس خوش بین نبودند، بلکه نقش بارزی برای انگلیس در سیاست خارجی آمریکا قائل نبودند. بحران کانال سوئز و محکومیت جهانی که آمریکا نیز جزء کشورهای محکوم‌کننده علیه انگلیس بود، موجد نظریه فوق است. اما رابطه چهار نخست‌وزیر انگلیس؛ به ترتیب چرچیل در دهه ۱۹۴۰، مک‌میلان در دهه ۱۹۶۰، تاچر در دهه ۱۹۸۰ و بلر در دهه ۲۰۰۰، به ترتیب با روزولت، کندی، ریگان و جورج بوش پسر «ویژه» بودند. تأثیرپذیری رؤسای جمهور آمریکا از نخست وزیران انگلیس در دهه‌های مورد نظر، تأثیرگذار بر سیاست خارجی آمریکا در راستای منافع انگلیس و تشدید بحران در روابط آمریکا با دیگر کشورها بوده است. تأثیرپذیری بلر از بوش در جنگ عراق مثال بارز آن است.

### تونی بلر و ترغیب آمریکا به مداخله نظامی در سیاست بین‌الملل

شیطنت «اسلوبودان میلوسویچ»<sup>۱</sup> در ایجاد جنگ قومی در یوگسلاوی فرصت مناسبی فراهم آورد تا تونی بلر برای جلوگیری از گسترش جنگ بالکان در اروپا حضور نظامی آمریکا را از طریق ناتو حیاتی دوباره بخشد. میلوسویچ، دیکتاتور یوگسلاوی، در دفاعیات

خود در دادگاه لاهه گفت که داگلاس هرد، وزیر امور خارجه اسبق انگلیس، در دیداری خصوصی با وی، چراغ سبز انگلیس برای حفظ انسجام و یک پارچگی کشور یوگسلاوی را به او داده بود. بیل کلینتون، رئیس جمهور وقت آمریکا، با اکراه و اصرار تونی بلر نیروهای نظامی آمریکا را درگیر جنگ در اروپا کرد. میلو سویچ سرنگون و یوگسلاوی تقسیم شد و آرامش نسبی برقرار گردید. نیروهای نظامی آمریکا از اروپا خارج شدند و حفظ صلح به نیروهای نظامی اتحادیه اروپایی سپرده شد. با این حال، نگرانی تونی بلر از میل به انزوآگرایی آمریکا در روابط بین‌الملل برطرف نشد.

بررسی دوران نخست وزیری تونی بلر و ریاست جمهوری جورج بوش پسر از این نظر حائز اهمیت است که بعد از خلا ایجاد شده از سقوط شوروی در روابط بین‌الملل، کشورهای مختلف جهان با نظریه پردازی برای جهان چند قطبی در صدد ایجاد نظم نوین جهانی برآمدند. اما تونی بلر با استفاده از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بهره‌برداری از قدرت و سیاست خارجی آمریکا را در مسیر منافع انگلیس در دستور پیگیری سیاست رابطه ویژه انگلیس با آمریکا قرار داد.

### دکترین جامعه جهانی بلر قبل از ورود نو محافظه کاران به کاخ سفید

آئین یا دکترین بلر با عنوان «دکترین جامعه جهانی» مبتنی بر مداخله نظامی در امور دیگر کشورها و حتی تغییر رژیم، مدت ها قبل از روی کار آمدن جورج بوش پسر، در آوریل ۱۹۹۹ در آمریکا در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون اعلام گردید. تونی بلر در سخنرانی خود در شیکاگو به نکات مهمی اشاره کرد که بعدها پایه گذار راهبرد امنیت ملی آمریکا شد. بلر گفت: «تنها چیزی که آمریکا همواره آماده اجرای آن است، سیاست انزوآگرایی و عدم دخالت در امور دیگر کشورها است. مهم ترین مشکل بر سر راه سیاست خارجی ما در آینده شناسایی شرایطی است که باید به صورت فعال در مناقشات دیگران مداخله کنیم. عدم دخالت در امور دیگران یکی از اصول قانون مجامع بین‌المللی است. اما اصل عدم دخالت باید از قابلیت‌های



احترام گذاشتن هم برخوردار باشد. اگر به اطراف خود بنگریم ملاحظه خواهیم کرد که بسیاری از حکومت‌ها غیردموکراتیک هستند و به فعالیت‌های افراطی مشغول می‌باشند. اگر ما بخواهیم تمامی اشتباه‌های اطراف خود را درست کنیم، بدون توسل به زور و دخالت قادر نخواهیم بود.<sup>(۱۹)</sup>

تفکر بلر، نخست‌وزیر انگلیس، مدت‌ها قبل از به‌قدرت رسیدن دولت جدید آمریکا که به محافظه‌کاران جدید شهرت یافته‌اند ابراز شده است؛ و در واقع، گردانندگان جدید دولت آمریکا به ریاست جمهوری جورج بوش، مجری آن هستند. در انتهای سال ۲۰۰۰ میلادی، آمریکا دارای رئیس‌جمهور جدیدی از حزب جمهوری‌خواه شد. جورج بوش پسر در آغاز معتقد به تحول و تغییر نگرش در سیاست خارجی آمریکا بود. بوش گفت: «ما در حال تجدیدنظر در سیاست خارجی آمریکا در کلیه مناطق جهان هستیم».<sup>(۲۰)</sup> دولت جمهوری‌خواه بوش در اوایل دوره ریاست جمهوری در ارائه خط‌مشی سیاست خارجی آمریکا، بی‌میلی به ایفای نقش «مداخله‌آمیز» در اروپا و توجه به دو قاره آسیا و پاسفیک را به‌طور علنی اعلام کرده بود.<sup>(۲۱)</sup> علت این بود که دولت قبلی آمریکا، یعنی دولت کلینتون از حزب دموکرات، با اکراه در مناقشات یوگسلاوی شرکت جسته بود و فرماندهان نظامی آمریکا هم ناخرسندی از نحوه همکاری با فرماندهان اروپایی در ناتو را اعلام داشته بودند. «فلیکس روهااتین»، سفیر آمریکا در پاریس، که از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۱ در فرانسه بود، در مقاله‌ای نوشت منافع آمریکا به سرعت به طرف کشورهای چوین هند، چین و روسیه معطوف می‌گردد.<sup>(۲۲)</sup>

تمایل آمریکا به انزوگرایی و عدم مداخله در امور روابط بین‌الملل همواره یکی از نگرانی‌ها سیاست‌مداران انگلیسی بوده و هست. ممکن است گفته شود با توجه به پدیده جهانی شدن و نظریه‌پردازی‌های جدید، میل به انزوگرایی در آمریکا بی‌مورد است. اگر این چنین بود، تونی بلر در ارائه آئین جامعه جهانی خطاب به آمریکایی‌ها نمی‌گفت: «ما به آمریکا نیاز داریم و از شما می‌خواهیم هیچ‌گاه به فکر بازگشت به انزوگرایی نباشید». البته منظور

تونی بلر آمریکایی است که در جهت منافع انگلیس گام بردارد. بلر از کلیتون سؤال می‌کند در روابط با جورج بوش چگونه باشد؟ کلیتون در پاسخ می‌گوید: «بهترین دوست او باش. طوری باش که در امور به تو مراجعه کند».<sup>(۲۳)</sup> ارزیابی بلر از بوش، رئیس جمهوری کم تجربه بود که از خارج از مرزهای آمریکا، فقط در مورد مکزیک و آمریکای لاتین اطلاعاتی نسبی داشت.

### بوش و تبیین سیاست خارجی آمریکا بعد از ملاقات با بلر

مدت ها قبل از حمله ۱۱ سپتامبر به نیویورک، تونی بلر بیش از هر رهبر اروپایی نگران خطر بالقوه توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و فناوری موشکی بود. او اولین رهبر خارجی بود که برای دیدار با جورج بوش، رئیس جمهور جدید، به آمریکا رفت. موفقیت نخست وزیران انگلیس در ایجاد روابط ویژه با رؤسای جمهور آمریکا همواره یکی از عوامل مؤثر در نوع روابط دو کشور انگلیس و آمریکا بوده است.

بعد از دیدار با بلر، بوش در مصاحبه مطبوعاتی مشترک گفت: «دولت من از اتحاد بین آمریکا و انگلیس خشنود است؛ زیرا دگرگونی‌های عظیمی در جهان به وجود آورده است. من بر این باور هستم که تغییرات دیگری هم سال‌های آتی ایجاد خواهد شد. ما درباره مسائل بی‌شماری بحث و تبادل نظر کردیم. ما تاریخ مشترکی داریم و ضروری است تا درباره دوران جدید یعنی بعد از جنگ سرد به گونه‌ای دیگر بیندیشیم. نخست‌وزیر سوالات جالب و زیادی را برای من مطرح کردند. من از آرای ایشان حمایت می‌کنم. ما در حال گذار از روندی هستیم که با تهدیدات جدیدی مواجه است. راهکارهای زیادی برای انتخاب داریم. پیام من به جهان این است که آمریکا برای حفظ صلح، مسؤلیت خود بعد از جنگ سرد را ادامه خواهد داد. من و نخست‌وزیر وقت زیادی را به گفتگو در خصوص منافع مشترک در عراق و خلیج فارس اختصاص دادیم. من از دورنمایی که نخست‌وزیر برای من ترسیم کرد، حمایت می‌کنم. از همین جا از پنتاگون می‌خواهم در تدارک سلاح‌های اتمی پیشرفته برای مقابله با تهدیدات جدید باشد».<sup>(۲۴)</sup>

بلر در هر فرصتی از تصاویری جدید در ترسیم تهدیدهای پیش روی غرب بعد از جنگ سرد و روش‌های مقابله با آنها برای ایجاد انگیزه در بوش استفاده و وی را تهییج و ترغیب به مداخله در سیاست بین‌الملل می‌کرد. بوش درباره بلر گفت: «من نخست‌وزیر را تحسین می‌کنم؛ چون او همزمان با روند سیاسی، طرح جدیدی مطرح می‌کند.»<sup>(۲۵)</sup>

### حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: هدایت سیاست خارجی بوش توسط بلر

وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برای تونی بلر، نخست‌وزیر انگلیس، یک فرصت بود. بلر تهدید آمریکا را به فرصتی طلایی برای انگلیس تبدیل کرد. بلر با قرار دادن انگلیس در کنار آمریکا «درهم تنیدگی» روابط دو کشور را مستحکم کرد. با قرار گرفتن بلر در کنار بوش، بار دیگر زمینه تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا در جهت منافع انگلیس فراهم شد. بلر به‌طور علنی حمایت قاطع کشورش از آمریکا را اعلام کرد. بلر گفت: «۱۱ سپتامبر حمله به آمریکا نبود، بلکه حمله به تمامی ما بود.»<sup>(۲۶)</sup> بوش هم در پاسخ گفت: «ما در جهان هیچ دوستی بهتر از انگلیس نداریم. من هم هیچ دوستی بهتر از تونی بلر ندارم و همیشه مایلم نگرانی‌هایمان را با او در میان بگذارم. بلر مظهر ذکاوت و قضاوت است.»<sup>(۲۷)</sup> این بلر بود که طرح «تغییر حکومت» را در راهبرد سیاست خارجی آمریکا قرار داد. بلر در سخنرانی برای نخبگان و سیاست‌مداران آمریکایی گفت: «در مقام نخست‌وزیر انگلیس در تغییر حکومت سه کشور (سرنگونی میلوسویچ، طالبان در افغانستان و سیرالئون) فعال بودم». وی در ادامه گفت: «هر چند در تمامی مناقشات نمی‌توانیم شرکت داشته باشیم درخصوص کشورهایی که در ترور و معامله سلاح‌های کشتار جمعی مشارکت دارند نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم و از مقابله با آنها نباید شانه خالی کنیم.»<sup>(۲۸)</sup>

### دکترین دوم بلر برای آمریکا در سیاست بین‌الملل

در شرایط فوق، تونی بلر در حال پردازش نظریه‌ای جدید برای سیاست مشترک و

«در هم تنیده» انگلیس و آمریکا در سیاست بین‌الملل بود. «رابرت کوپر»<sup>۱</sup>، کارمند وزارت امور خارجه انگلیس که مشاور سیاسی تونی بلر و در حال حاضر مشاور سیاسی «خاویر سولانا»<sup>۲</sup>، وزیر امور خارجه اتحادیه اروپایی است، نظریه «مسئولیت امپریالیستی»<sup>۳</sup> را مطرح کرد. وی معتقد بود با توجه به وضعیت افغانستان طالبانی و کشورهای دیگری که نظام داخلی آنها به گونه ای است که امنیت جهانی را به مخاطره می‌اندازند، کشورهای قدرت‌مند و امپریالیسم سابق می‌بایست برای حفظ ثبات و امنیت جهانی مجدداً مسئولیت گذشته خود را برای سرپرستی این کشورها البته همراه با اقدامات پیش‌گیرانه به عهده بگیرند.<sup>(۲۹)</sup>

رامسفلد و چنی حامیان یک‌جانبه‌گرایی و بلر و رهبران اروپایی حامیان چندجانبه‌گرایی بودند. بوش واکنشی دو سویه نشان می‌داد؛ اما در اجرای سیاست خارجی همراه بلر حرکت می‌کرد. بلر نیز از سوی مطبوعات به پیروی کورکورانه از امیال آمریکا متهم شده بود؛ اما از چنین اتهامی واهمه نداشت؛ زیرا آمریکا همواره زیر تیغ حملات مخالفان سیاست‌ها قرار می‌گرفت؛ سیاست‌هایی که بیشتر از آمریکا در جهت منافع انگلیس است. بدین ترتیب نقش واقعی انگلیس همواره پنهان مانده است. بعضی رسانه‌های انگلیسی به‌خصوص بی. بی. سی. که مخالف حمله نظامی انگلیس در کنار آمریکا به عراق بود، در گزارش‌های خود «بلر را بخشی از نومحافظه‌کاران معرفی کرد».<sup>(۳۰)</sup> روزنامه گاردین در سر مقاله‌ای با عنوان: «تونی بلر نومحافظه‌کار اصل است»، نوشت: «بلر در مسائل داخلی و سیاست خارجی همواره از بوش پیشروتر است».<sup>(۳۱)</sup>

بلر روز ۶ آوریل ۲۰۰۲ مجدداً برای دیدار و مذاکره با بوش به کاخ سفید رفت. بوش ضمن اشاره به توجه خاص به توصیه‌های بلر گفت: «ما و انگلیسی‌ها نگاه واحدی به وقایع تاریخ داریم». بوش نظریه تونی بلر مبنی بر اتحاد دو کشور را تأیید کرد. هر دو آنان بر خطر آفرین بودن سلاح‌های کشتار جمعی در دستان صدام حسین تأکید کردند. بوش در پاسخ به

1. Robert Cooper

2. J. Solana

3. Imperial Responsibility

سؤالی درخصوص تغییر رژیم صدام حسین گفت: «نخست‌وزیر بلر کسی است که خوب مسائل را درک می‌کند. برای همین هم من از مشورت با بلر همیشه استقبال می‌کنم. ما در ارتباط تنگاتنگ با هم قرار داریم و همواره درخصوص مسائل تبادل نظر می‌کنیم. ایشان توصیه‌های خوبی درباره این موضوع دارد که مورد تأیید من است.» (۳۲)

روز بعد از ملاقات با جورج بوش، تونی بلر طی سخنرانی در «کتابخانه بوش پدر» نظریه جدیدی در روابط بین‌الملل ارائه داد که هر چند در ردیف دکترین سال ۱۹۹۹ قرار نمی‌گرفت، راهبرد جدیدی در پیش روی آمریکا قرار می‌داد. جالب اینکه مقامات آمریکایی بلافاصله از آرای بلر در راهبرد سیاست بین‌الملل آمریکا استفاده کردند. بلر در سخنرانی خود گفت: «وظیفه یک سیاست‌مدار در صحنه سیاسی حفظ ارزش‌ها است؛ آزادی، عدالت... چیزی که ما اروپایی‌ها به آن «همبستگی» می‌گوییم. شما ممکن است به آنچه که ما همبستگی می‌گوییم، احترام و کمک به دیگران بگویید. اما در کنار این ارزش‌ها ما نیازمند یک برنامه منسجم هم هستیم. سیاستی واقع‌گرایانه که زمینه‌ساز تبدیل ارزش‌ها به عمل در دنیایی که زندگی می‌کنیم باشد. در حال حاضر دو نظریه در روابط بین‌الملل وجود دارد. یکی سودمندگرا<sup>۱</sup> که معتقد است هر ملتی برای منافع ملی خود تلاش می‌کند و دیگری آرمانی<sup>۲</sup> که سعی در ایجاد جهانی بهتر دارد. بیش از هر وقت دیگر این دو نظریه در حال ادغام هستند. من طرفدار نظریه‌ای هستم که جنگیدن برای ارزش‌ها را یک ضرورت و اولویت سیاست ما در دفاع از کشورمان می‌داند. درگیر شدن در جهان برمبنای ارزش‌ها تنها راه‌حل عملی پیش روی ما در قرن بیست و یکم است که انزوگرایی پاسخ آن نیست. من به همین نظریه در سخنرانی شیکاگو در سال ۱۹۹۹ اشاره کردم. لذا در حال حاضر بیش از هر وقت دیگر درمی‌یابیم که مشکل «دیگران» مشکل «ما» هم هست. آنچه بعد از ۱۱ سپتامبر باعث اتحاد ما شد این بود که به این نتیجه رسیدیم که جهان نیازمند نظم است. باید در مناطقی که بی‌نظمی ما را تهدید می‌کند به مقابله برخاست. ۱۱ سپتامبر حمله به آمریکا نبود، حمله به تمامی ما بود. درس

حاصل از آن «وابسته بودن ما به یکدیگر» بود. اگر آمریکا و اتحادیه اروپایی با هم باشند، دنیا بهتر می‌چرخد. ما ارزش‌های مشترک فراوانی در این راستا داریم. مناقشات جنگ سرد قابل بازی مجدد نیست. اتحادیه‌هایی در هم تنیده با موضوعاتی چون امنیت، تجارت و ثبات می‌بایست جایگزین رقابت‌های گذشته شوند. اتحاد جهانی مهم است». بلر در ادامه گفت: «اگر لازم باشد دست به اقدام نظامی هم می‌زنیم و در صورت ضرورت تغییر رژیم نیز قابل توجیه است. من نخست‌وزیر انگلیس در سه عملیات تغییر حکومت دستور اقدام دادم. میلوسویچ در یوگسلاوی، طالبان در افغانستان و سیرالئون در افریقا. من امیدوارم به مرور زمان سوریه، ایران و حتی کره شمالی تغییر رفتار با جهان خارج را بپذیرند. باید آگاه باشند که حمایت از تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی قابل تحمل نیست».

بلر در رهنمود خود خطاب به سیاست‌مداران آمریکایی گفت: «و اما درباره شما آمریکایی‌ها، اصولاً قدرت آمریکا تأثیرگذار بر مسائل جهان است. من خواهان درگیر بودن آمریکا در جهان هستم. با وجود رئیس‌جمهوری مثل بوش مطمئن هستم که در جهان درگیر خواهید بود، اما باید در کنار یکدیگر باشیم و با هم کار کنیم. این تنها راهی است که به نظر من جهان را به سوی ثبات مبتنی بر پیشرفت و عدالت همگانی سوق خواهد داد. اگر در این برهه سرنوشت ساز بهترین گزینه را انتخاب کنیم به سر منزل مقصود خواهیم رسید؛ و کشورم انگلیس در کنار آمریکا آماده اقدام برای آن است».<sup>(۳۳)</sup>

در تأیید این نظریه که راهبرد سیاست خارجی آمریکا نشأت گرفته از راهبرد تعیین‌شده انگلیس به خصوص راهبرد نخست وزیران انگلیس در مقاطع مختلف است، اظهارات «کاندالیزا رایس»، رئیس شورای امنیت ملی وقت آمریکا در تبیین سیاست خارجی آمریکا حائز اهمیت است. این چیزی نبود جز آنچه که هجده روز قبل، تونی بلر در چارچوب سیاست خارجی برای سیاست‌مداران آمریکایی ترسیم کرده بود. خانم رایس در دانشکده مطالعات پیشرفته روابط بین‌الملل دانشگاه جان هاپکینز گفت: «آمریکا در جایگاه قدرت‌مندترین کشور جهان مسؤلیت ویژه‌ای به عهده دارد که در اجرای آن برای جهانی امن‌تر باید بکوشیم. وقتی

در ۱۱ سپتامبر مورد حمله قرار گرفتیم این واقعیت را درک کردیم که قدرت نظامی در سیاست بین‌الملل و امنیت جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بهترین دفاع، حمله است. باید جنگ را در میان تروریست‌ها ادامه دهیم. باید مانع دستیابی تروریست‌ها و کشورهای که با آمریکا خصومت دارند به سلاح‌های کشتار جمعی شویم. برخورد با ترور جهانی نیازمند راه‌حل جهانی است. این اقدامات مهم باید در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار گیرد. امروز هدف ما توازن قدرت نیست. آنچه رئیس جمهور بوش می‌خواهد توازن قدرتی است که به نفع آزادی باشد. آمریکا از نفوذ خود در حمایت از آزادی استفاده خواهد کرد.» (۳۴)

تونی بلر، مرحله به مرحله سیاست خارجی آمریکا در خصوص عراق را پیگیری می‌کرد. حرکات سیاسی پینگ‌پنگ‌وار بلر و بوش برای حمله به عراق وارد مرحله جدیدی شده بود که مبتکر آن بلر بود. بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، احساسات عمومی و فشار رسانه‌های گروهی، کنگره را در مسیر امیال بوش که او هم تأثیرپذیر از بلر بود، سوق داد.

مجوز کنگره آمریکا برای ورود آمریکا به جنگ ضروری بود؛ اما در انگلیس با توجه به اکثریت آرای حزب کارگر در پارلمان اخذ رأی مثبت برای ورود به جنگ برای تونی بلر دشوار بنظر نمی‌رسید. در هر حال، وقتی بلر مطمئن شد بوش در آمریکا در اخذ رأی کنگره برای اعلان جنگ با مشکل مواجه نخواهد بود، مراحل نهایی اعلان جنگ و اشغال عراق را به مورد اجرا گذارد. تونی بلر در پارلمان انگلیس گفت: «امروز ما اسناد ۵۰ صفحه‌ای سابقه سلاح‌های کشتار جمعی عراق را منتشر کردیم. سیاست مهار، جواب نمی‌دهد. اسناد برمبنای اطلاعات سازمان‌های جاسوسی انگلیس تهیه شده‌اند. صدام به تولید سلاح‌های کشتار جمعی ادامه می‌دهد. او طرح‌های عملیاتی فعالی برای استفاده از سلاح‌های شیمیایی دارد و قادر است ظرف ۴۵ دقیقه آنها را آماده بهره‌برداری کند. علاوه بر آن، ما اطلاعاتی در دست داریم که صدام در صدد خرید مقدار زیادی اورانیوم از آفریقا بوده است. قطعاً چنین سلاح‌هایی نیازمند داشتن قابلیت پرتاب موشک‌های قاره‌پیما هم است.» (۳۵)

استفاده از عبارت «۴۵ دقیقه» بعدها در انگلیس طوفانی به پا کرد و منجر به استعفای

رئیس دفتر تونی بلر شد. آقای «کمپل»<sup>۱</sup>، رئیس گروه خبری بلر متهم شد که با اضافه کردن عبارت «۴۵ دقیقه» به گزارش سازمان جاسوسی انگلیس سعی کرده است افکار عمومی را در حمایت از جنگ تهییج کند. ۲ روز بعد از اظهارات بلر، جورج بوش در دیدار با اعضای کنگره گفت: «بنا به گزارش منابع دولت انگلیس، رژیم عراق به محض دریافت دستور قادر خواهد بود ظرف ۴۵ دقیقه حمله شیمیایی را عملیاتی کند».<sup>(۳۶)</sup>

### نقش انگلیس در مداخله نظامی آمریکا به عراق

در آغاز سال ۲۰۰۳ میلادی تونی بلر در جمع سفرای انگلیس که برای شرکت در کنفرانس سالانه وزارت امور خارجه به لندن آمده بودند، در تبیین سیاست خارجی انگلیس اولین اولویت را به روابط انگلیس با آمریکا داد و گفت: «ما باید نزدیک‌ترین متحد آمریکا باقی بمانیم و از طریق این اتحاد در آمریکا نفوذ کنیم و دستور کار سیاست خارجی آمریکا را هر چه بیشتر گسترش دهیم.. اتخاذ چنین سیاستی به صورت فزاینده‌ای به صلاح منافع انگلیس است. البته هزینه چنین روابطی این نیست که هر چه آنها گفتند یا خواستند، بپذیریم. من در مقام نخست‌وزیر انگلیس هیچ‌گاه نیروهای مسلح کشورم را به جنگی که معتقد باشم اشتباه یا غیر ضروری است، متعهد نمی‌کنم. تنها هزینه‌ای که برای حفظ روابط با آمریکا باید بپردازیم این است که آمریکا را در مقابله با موضوعات دشوار تنها نگذاریم. مجدداً متذکر می‌شوم که این من بودم که در فوریه سال ۲۰۰۱ (۷ ماه قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر) در اولین دیدارم با رئیس جمهور بوش چالش پیش روی جامعه جهانی را سلاح‌های کشتار جمعی دانستم. البته راهبردهای متفاوتی برای مقابله با چنین امری درخصوص کشورهای مختلف جهان وجود دارد و نباید برای مقابله با این موضوع آمریکا را تحت فشار قرار دهیم که به تنهایی اقدام کند».<sup>(۳۷)</sup>

چکیده سخنان تونی بلر در جمع سفرای انگلیس ۲۱ روز بعد در سخنرانی غرا و مهم



بوش در کنگره که معمولاً اول هر سال به مثابه خط‌مشی و سیاست اصولی دولت آمریکا ایراد می‌شود انعکاس یافت. بلر در ۷ ژانویه ۲۰۰۳ گفت: «خطر مشترک ما هرج و مرج است. این خطر می‌تواند از ناحیه تروریست‌ها یا کشورهای بدون احساس مسؤولیت و سرکوب‌گر که درصدد دستیابی به سلاح‌های کشتارجمعی هستند، باشد؛ و برای مقابله با هر کشور راهبردهای مختلفی باید به کار گرفته شود.»<sup>(۳۸)</sup> ۱۱ روز بعد، در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۳ جورج بوش، در سخنرانی خود خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا گفت: «امروز، خطرناک‌ترین جنگ با ترور است و مخرب‌ترین موضوع پیش روی آمریکا و جهان، کشورهای غیرقانونی خواهان دستیابی به سلاح‌های کشتارجمعی هستند. این کشورها می‌توانند سلاح‌های کشتارجمعی را به گروه‌های تروریستی طرفدار خود بدهند. درخصوص تهدیدات مختلف باید راهبردهای متفاوتی را برای مقابله در دستور کار داشته باشیم.»<sup>(۳۹)</sup>

سه روز بعد از سخنرانی بوش در کنگره، بلر و بوش در کاخ سفید ملاقات کردند. بوش ضمن تمجید مجدد از بلر گفت: «من به قضاوت بلر اعتقاد دارم و ذکاوت او را تحسین می‌کنم». بلر در مصاحبه مطبوعاتی سعی کرد موضوع سلاح‌های کشتارجمعی را نیز در کنار مقابله با تروریسم در دستور کار دو کشور قرار دهد. بلر گفت: «باید آگاه باشیم که ما با تهدیدی دوگانه مواجه هستیم. تروریسم و سلاح‌های کشتارجمعی با یکدیگر مرتبط هستند و مقابله با هر دو ضروری است». در مصاحبه مطبوعاتی مشترک، جورج بوش در مقابل سؤال خبرنگاری که پرسید: «آیا بین صدام حسین و حادثه ۱۱ سپتامبر ارتباطی وجود دارد؟» گفت: «من نمی‌توانم چنین ارتباطی را تأیید کنم». اما تونی بلر سعی کرد خبرنگار را مجاب به پذیرش این موضوع کند که تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف خود از هر حربه و وسیله‌ای از جمله سلاح‌های کشتارجمعی استفاده می‌کنند و دو موضوع تروریسم و سلاح‌های کشتارجمعی با یکدیگر مرتبط هستند. بوش از اینکه ممکن است بعضی گروه‌ها از سلاح کشتارجمعی بر ضد انگلیس استفاده کنند ابراز نگرانی کرد.<sup>(۴۰)</sup>

در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ تونی بلر در بیانیه‌ای خطاب به مردم انگلیس گفت: «سه‌شنبه شب

دستور عملیات نظامی بر ضد عراق را صادر کردم. بخشی از احساس خطر من براساس گزارش‌های اطلاعاتی بود. البته این یک حقیقت است که صدام حسین تنها خطر موجود نیست. اما این هم یک حقیقت است که ما انگلیسی‌ها معتقدیم بهترین گزینه صلح جویانه برای مواجهه با تهدیدات آتی، مقابله جدی با خطر پیش رو است.» (۴۱)

در ژوئیه ۲۰۰۳، تونی بلر، بعد از دیدار با آریل شارون در لندن، به آمریکا رفت تا برای قانون‌گذاران آمریکایی در کنگره سخنرانی کند. بلر سخنرانی خود را در کنگره این‌گونه آغاز کرد: «از شما آقای رئیس‌جمهور به سبب رهبری تغییراتی که دنیا را بعد از ۱۱ سپتامبر دگرگون کرد، متشکرم.» (۴۲) بلر در ادامه گفت: «هیچ‌گاه مثل امروز قدرت آمریکا ضروری نبوده است. ویروسی که ما را تهدید می‌کند تروریسم است.» بلر با برشمردن خطر تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی در تأیید ادامه یکه‌تازی آمریکا و رد هرگونه رقابت با آمریکا از طریق جهان چند قطبی گفت: «در سیاست بین‌الملل هیچ نظریه‌ای خطرناک‌تر از نظریه توازن قدرت آمریکا با قدرت‌های رقیب یا سازمان‌هایی متشکل از گروه کشورها، وجود ندارد. این نظریه در قرن نوزدهم میلادی با توجه به شرایط جنگ سرد به وجود آمده بود. امروزه نظریه امنیتی سنتی گذشته توجیهی ندارد. امروز باید دنبال مشارکت باشیم؛ زیرا اهداف مشترکی داریم و تهدید ما مشترک است. اگر آمریکا و اروپا در کنار هم باشند دیگران خود را با ما هماهنگ خواهند کرد. اروپا را فراموش نکنید. اروپا هم باید با جوّ ضد آمریکایی موجود در اروپا که خواهان استقلال سیاسی است مقابله کند. آنچه آمریکا باید انجام دهد این است که روشی ترغیب‌کننده نسبت به اروپا داشته باشد و آمرانه رفتار نکند. بعد خواهید دید که سازمان ملل متحد به ابزاری برای اقدام تبدیل خواهد شد. ما نیازمند قوانین جدیدی برای جلوگیری از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی هستیم.»

بلر در نتیجه‌گیری خود گفت: «هرگز برای جنگ درخصوص ارزش‌ها عذرخواهی نکنید». شاید بعضی از شهروندان آمریکایی از شما سیاست‌مداران آمریکا سؤال کنند که چرا من؟ چرا ما آمریکایی‌ها باید مسؤولیت انجام این وظایف را متقبل شویم؟ تنها پاسخی که

باید بدهید این است که تقدیر شما را در چنین جایگاهی قرار داده است و در این مقطع تاریخی وظیفه شما است و باید انجام وظیفه کنید. تکلیف کشور من انگلیس هم که همواره هدایت‌گر رشد عظمت شما بوده مشخص است و آن این است که همیشه در کنار شما قرار داشته باشیم. اگر ثابت قدم باشیم، دنیا با ما خواهد بود.

بدین ترتیب، تونی بلر، نخست‌وزیر انگلیس، سیاست خارجی آمریکا را برای ماه‌ها و سال‌های آتی تدوین کرد. بلر معتقد است: «قدرت مهم است و قدرت آمریکا مهم و تأثیرگذار است». بلر خطر را برای رئیس جمهور آمریکا و قانون‌گذاران کنگره مشخص کرد و بر آمریکا تکلیف کرد تا با کشورهایی که انگلیسی‌ها خطرناک تشخیص می‌دهند مقابله کنند و عذرخواهی هم نکنند!

### گزارش کمیته سنای آمریکا: اغفال سیاست خارجی آمریکا

در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۳ آمریکا در گزارشی ۵۲۴ صفحه‌ای نحوه عملکرد سازمان‌های جاسوسی آمریکا در جنگ عراق را بررسی کرد. در اوایل گزارش در صفحه ۳۴ آمده است: «سازمان‌های جاسوسی آمریکا کاملاً متکی به گزارش‌های کشورهای خارجی بوده و سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای ثالث سیاست خارجی آمریکا را با توجه به منافع کشورهای خود مورد اغفال قرار داده‌اند».<sup>(۴۳)</sup> به بخش‌هایی از گزارش به صورت تیتروار اشاره می‌شود. «به تحلیل‌گران سازمان جاسوسی آمریکا آموزش داده شده بود تا تحلیل‌های خود را با ذهنیت و خواست سیاست‌مداران تطبیق دهند».<sup>(۴۴)</sup> جورج بوش در سخنرانی ۲۸ ژانویه سال ۲۰۰۳ با اتکا به گزارش اطلاعاتی دریافتی از سازمان جاسوسی انگلیس گفت: «صدام حسین در صدد کسب اورانیوم از آفریقا است».<sup>(۴۵)</sup> «۵ ماه بعد، در ژوئن ۲۰۰۳، سازمان جاسوسی آمریکا گزارش سازمان جاسوسی انگلیس را جعلی خواند».<sup>(۴۶)</sup> بسیاری از اطلاعات گنج‌ناپیده شده در متن سخنرانی کالین پاول<sup>۱</sup>، وزیر امور خارجه آمریکا، بر ضد عراق که سازمان

جاسوسی تهیه و تنظیم کرده بود، نادرست، گمراه کننده و مبالغه آمیز بوده است». (۴۷) «همه گزارش‌های سازمان‌های اطلاعاتی تا قبل از شروع جنگ اشتباه بودند. اینکه چرا جورج بوش از اطلاعات نادرست انگلیس دربارهٔ واردات اورانیوم عراق از کشور نیجر استفاده کرد هنوز مبهم است». (۴۸) «تصمیم بوش برای آغاز جنگ بر مبنای آنچه بود که سازمان‌های اطلاعاتی در اختیار وی قرار دادند و نه آنچه که مقامات دولتی خواستار انجام آن بودند». (۴۹)

در ادامه گزارش آمده است که بنیان و اساس گزارش‌های تحلیلی سازمان‌های اطلاعاتی سست، ضعیف و گمراه کننده بود و صرفاً برای طرفداری از تفکر خاصی تهیه شده بود. (۵۰) «بر اساس همین گزارش‌های غلط، کنگره استفاده از زور را بر ضد عراق برای جورج بوش تصویب کرد». (۵۱) «جامعه اطلاعاتی آمریکا فاقد فضای فکری باز و شفاف است. ضعف رهبری و مدیریت باعث شکست‌های اطلاعاتی کشور شده است». (۵۲) «سناتور راکفلر، معاون گروه تهیه کننده گزارش کمیته سنا، هنگام ارائه گزارش گفت: «واقعیت این است که دولت (جورج بوش) در تمامی سطوح و ما هم تا حدودی در کنگره با اطلاعات غلط برای جنگ تهییج شدیم». (۵۳)

### بهره برداری بلر از قدرت آمریکا

سناتور «ادواردز»<sup>۱</sup>، کاندیدای معاونت ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ از حزب دموکرات، جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، را به فقدان رهبری در تصمیم‌گیری‌ها متهم کرد و با اشاره به اظهارات بلر در پذیرش مسؤلیت تصمیم‌گیری در جنگ عراق گفت: «ما مفهوم رهبری را حالا درک می‌کنیم! از آنجایی که رئیس جمهور آمریکا هنوز مسؤلیت تصمیم‌گیری در جنگ عراق را نپذیرفته است پس جورج بوش فاقد قابلیت و توان رهبری است». (۵۴) روزنامه آبزورر، چاپ لندن در ارزیابی گزارش کمیته سنا، آمریکا در مقاله‌ای با عنوان: «تونی بلر چه پاسخی به خداوند خواهد داد؟» نوشت: «اطلاعات پراکنده و ضد و نقیض از منابعی که

صرفاً در فکر منافع شخصی بودند به دروغ در قالب حقایق ارائه شد.»<sup>(۵۵)</sup> همین روزنامه در مقاله‌ای دیگر با عنوان: «آیا جاسوسان اطلاعاتی انگلیس، ما را شرم‌منده کردند؟» نوشت: «روابط انگلیس و آمریکا به دلیل ارائه اطلاعات غلط به آمریکایی‌ها ممکن است آسیب ببیند.»<sup>(۵۶)</sup> سناتور «ریچارد دوربیان»<sup>۱</sup>، از حزب دموکرات گفت: «برخلاف دولت آمریکا، تونی بلر، نخست‌وزیر انگلیس، تمامی مسؤولیت اقدام برای جنگ را پذیرفته است. ما می‌دانیم در لندن چه کسی مسؤول است؛ اما نمی‌دانیم در واشنگتن چه کسی مسؤول است!»<sup>(۵۷)</sup>

یک سال بعد از فتح بغداد و سقوط صدام حسین، تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس، طی یک سخنرانی در توجیه و دفاع از جنگ عراق به مطالب مهمی اشاره کرد که می‌توان نتیجه گرفت نه تنها اقدام نظامی بر ضد عراق به توصیه وی از قبل برنامه‌ریزی شده بود، بلکه در راستای اهداف بزرگ و دامنه‌داری در خاورمیانه طراحی گردیده و از قدرت آمریکا در جهت منافع انگلیس سوءاستفاده شده است. تونی بلر در سخنرانی خود گفت: «هیچ تصمیمی به اندازه موضوع جنگ عراق در دوران کار سیاسی ام تقسیم‌کننده جامعه انگلیس نبوده است. قبلاً در سال ۱۹۹۹، در یک سخنرانی در شیکاگو مبدع دکترین جدیدی در جامعه بین‌الملل شدم مبنی بر اینکه در شرایط خاصی، هر چند که مورد تهدید مستقیم هم نباشیم، با اقدام نظامی مداخله کنیم. مدت‌ها قبل از ۱۱ سپتامبر، تفکر فلسفی - سیاسی من در حال تغییر بود. قبلاً فکر می‌کردیم که مسأله داخلی یک کشور امری داخلی است مگر اینکه تهدیدکننده باشد. من کشور عراق را در این چارچوب نمی‌دیدم. دو مسأله دیگر هم مرا نگران کرده بود. اسلام افراطی و تروریسم که مذهب‌یون افراط‌گرا طرفدار آن بودند. دومین نگرانی من اقدام کشورهای بود که بعضی از آنها بی‌ثبات و سرکوب‌گر هستند و در تولید سلاح هسته‌ای و موشک دوربرد فعال هستند. این مسائل مربوط به قبل از ۱۱ سپتامبر است. من مسأله سلاح‌های کشتار جمعی را در اولین دیدار با رئیس جمهور آمریکا، در کمپ دیوید، در فوریه ۲۰۰۲ مطرح کردم. حتی

بوش در تاریخ ۹ سپتامبر به من اطلاع داد که درصدد اعمال تحریم مؤثرتر بر ضد عراق است و اصلاً صحبتی از اقدام نظامی نبود. حادثه ۱۱ سپتامبر برای من یک الهام و شهود بود. نتیجه اینکه در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ در مجلس عوام گفتم: «ما اطلاع داریم گروه‌هایی و حتی کشورهای در سوداگری فناوری و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی فعال هستند و اگر بتوانند در استفاده از هیچ اقدامی فروگذار نخواهند کرد. ما اول القاعده و طالبان را از بین بردیم و بعد هم باید با کشورهای دارای سلاح‌های کشتار جمعی مقابله کنیم. آیا کسانی که صحبت از دیپلماسی می‌کنند واقعاً بر این باورند که درخصوص ایران و کره شمالی که حاضر به مذاکره شده‌اند، تنها دیپلماسی جواب داده است؟ از بعد از جنگ عراق، لیبی نه تنها حاضر به وانهادن برنامه هسته‌ای اش شده بلکه سلاح‌های شیمیایی اش را نیز منهدم کرده است. ایران حاضر به پذیرش آژانس انرژی هسته‌ای شده است. کره شمالی حاضر به گفتگو با چین شده است. (۵۸) شبکه عبدالقادر خان بسته شده و سوداگری آن گرچه با روندی کند ادامه دارد، در حال نابودی است. البته هنوز زود است کسی باور کند که خطر برطرف شده است. این جنگ هنوز تمام نشده است. ممکن است در خاتمه مرحله اول آن قرار داشته باشیم». (۵۹)

تونی بلر در ادامه سخنرانی به موضوع دیگری درباره قوانین روابط بین‌الملل اشاره کرد و تلویحاً به نقایص موجود در جوامع بین‌الملل و توجیه قانونی اقدام مشترک انگلیس و آمریکا در عراق پرداخت و گفت: «آنچه مرا به نتیجه‌گیری نهایی نزدیک می‌کند این است که طبق قوانین روابط بین‌الملل، یک حکومت می‌تواند با مردم خود بدرفتاری کند و وقتی مذاکره، دیپلماسی و تحریم‌ها جواب ندهند، کاری از عهده کسی بر نمی‌آید. فقط هنگامی می‌توان دخالت کرد که موضوع درخصوص فاجعه انسانی باشد. آیا به چنین قانونی باید احترام گذاشت؟» وی افزود: «بهترین راه تأمین امنیت ما، گسترش ارزش‌هاست». تونی بلر در رفع نگرانی بعضی از کشورها در مورد یک‌جانبه‌گرایی انگلیس و آمریکا اظهار داشت: «من نگرانی جامعه جهانی درباره عراق را درک می‌کنم. آنها فکر می‌کنند آمریکا و متحدانش با اتکا به قدرت نظامی و بدون توجه به هیچ قانونی به صورت یک‌جانبه هر کاری دلشان بخواهد،

می‌کنند». تونی بلر با زیرکی در رد این اتهام گفت: «نگرانی ما این است که سازمان ملل متحد به دلیل عدم توافق در شورای امنیت فلج است و خطری که ما احساس می‌کنیم، بدون مقابله باقی خواهد ماند». وی سپس به موضوع «نظریه توطئه» که گاهی مورد مضحکه قرار می‌گیرد اشاره کرد و در توجیه علمی سیاست رفتاری انگلیس بیان داشت: «تهدید تروریسم و نگرانی جامعه بین‌الملل درباره عراق از یک سو و این ادعا که آمریکا و متحدانش به طور یک‌جانبه و با توسل به زور آنچه را که می‌خواهند انجام می‌دهند از سوی دیگر، دو موضوع نامطلوبی است که فکر بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده است. آنها قادر به درک موضوع و انتخاب یکی از آن دو نیستند و در سنجش صحیح منطقی ما در عراق مبهوت مانده اند! اقدام ما در عراق بخشی از سردرگمی سیاست ماست؛ یک سو رهایی پسندیده مردم از ستم است و سوی دیگر اقدام نکوئیده مداخله ما. چون تدبیر و سیاست ما را درک نمی‌کنند، به نظریه توطئه یا ادعاهای فریبنده که هنوز خریدار دارد، روی می‌آورند».<sup>(۶۰)</sup>

برای تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس حمله ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ «یک الهام بود» و نظریه سیاسی خود را که در سال ۱۹۹۹ تدوین کرده بود با قدرت نظامی آمریکا در دوران ریاست جمهوری جرج بوش در راهبرد اقدام پیش‌دستانه سپتامبر ۲۰۰۲ آمریکا به مرحله اجرا گذاشت.

### تأثیر نخست‌وزیر انگلیس بر کاخ سفید آمریکا

«کریستوفر میر» بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ به عنوان سفیر انگلیس به واشنگتن اعزام شد. میر در کتاب خاطرات خود از نقش انگلیس در سوءاستفاده از سیاست خارجی دولت آمریکا به مطالبی اشاره می‌کند که حائز اهمیت است. کریستوفر میر می‌نویسد: «هدف سفیر انگلیس در واشنگتن حفظ امنیت و پیشرفت اقتصادی انگلیس است».<sup>(۶۱)</sup> ۴۸ ساعت بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، رؤسای ۳ سازمان جاسوسی انگلیس با انبوهی از گزارشات مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی عراق برای ملاقات با هم‌تایان آمریکایی خود

وارد واشنگتن شدند. سفیر انگلیس می‌نویسد: «اطلاعات سرّی انگلیسی‌ها در مقایسه با آنچه آمریکایی‌ها در اختیار داشتند بسیار زیاد و انبوه بود».<sup>(۶۲)</sup> البته اطلاعاتی که بعداً مشخص شد جعلی بودند و برای اغفال کنگره عنوان شده بود. میر می‌نویسد: «وظیفه سفیر انگلیس در واشنگتن دسترسی به مقامات آمریکایی و نفوذ در آنها است».<sup>(۶۳)</sup> سفارت انگلیس در آمریکا توسط دفتر نخست وزیری انگلیس هدایت می‌شود و وزارت خارجه انگلیس نقشی ندارد».<sup>(۶۴)</sup> میر می‌گوید: «سخنرانی دکترین جامعه جهانی بلر در شیکاگو در سال ۱۹۹۹ مبنی بر مداخله در امور دیگر کشورها در آمریکا با استقبال روبه‌رو شد. بعضی مقامات آمریکایی در تشریح دکترین بلر گفتند نظریه او تئوری ملت - دولت را که بعد از معاهده وستفاليا ۱۶۴۸ حاکم بود را منتفی اعلام می‌کند».<sup>(۶۵)</sup> این در حالی بود که بنا به گفته سفیر انگلیس، رایس که بعدها دبیر شورای امنیت ملی آمریکا شد اصولاً با مداخله در امور دیگر کشورها به هر شکلی حتی بشردوستانه مخالف بود.<sup>(۶۶)</sup> کریستوفر میر دو سال قبل از انتخاب بوش به ریاست جمهوری آمریکا وی را شناسایی و در تگزاس با او ملاقات و در ترسیم شخصیت سیاسی بوش این‌گونه گزارش می‌کند: «بوش، وقایع، کشورها و مردم را سیاه و سفید می‌بیند. خوب یا بد. اگر دوست نیستند دشمن هستند. بلر، سیاست‌مدار سیاست‌مداران مطلب را گرفته بود».<sup>(۶۷)</sup> میر در ادامه می‌گوید: «هر چند رایس و دیگر سیاست‌مداران آمریکایی انگلیس را تنها متحد مهم خود تلقی می‌کردند اما چالش پیش روی من به‌عنوان سفیر این بود که چگونه دوستی با آنها را به نفوذ و پشتوانه‌ای مؤثر در دفاع از منافع انگلیس تبدیل کنم».<sup>(۶۸)</sup> کریستوفر میر در جمع‌بندی می‌گوید: «ریسک رابطه ما با آمریکا این است که گفته می‌شود پادوی آمریکا هستیم. چیزی که روزنامه‌های انگلیسی شروع به نوشتن آن کرده‌اند. اما موقعیتی برای ما فراهم است که تأثیرگذار بر سیاست آمریکا هستیم قبل از اینکه آن سیاست شکل بگیرد».<sup>(۶۹)</sup>



## تأثیر «درهم تنیدگی» سیاست خارجی انگلیس و آمریکا بر روابط آمریکا با جمهوری اسلامی ایران

همزمان با حضور فعال سیاستمداران آمریکایی در روابط بین‌الملل طی جنگ جهانی دوم، روابط سیاسی آمریکا با ایران به صورت مشترک و «درهم تنیده» با سیاست انگلیس تنظیم شد. اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، برگزاری کنفرانس سران در تهران، کودتای ۱۹۵۳، جنگ تحمیلی، مهار سیاسی ایران، تحریم‌ها، زمزمه تغییر حکومت<sup>(۷۰)</sup> و موضوع انرژی هسته‌ای از نشانه‌های بارز آن است.

اشغال شمال ایران بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم به دست شوروی به بهانه حضور نیروهای انگلیسی در یونان بود. آمریکا مخالف هرگونه سیاست مداخله‌آمیز انگلیس در مستعمرات بود. اما انگلیس زیر بار خواسته آمریکا نمی‌رفت. بردن رضا شاه و برگرداندن محمدرضا شاه بعد از کودتای ۱۹۵۳ سیاست انگلیس بود. دو نوع تفکر در بین ایرانیان در خصوص نقش آمریکا و انگلیس در امور داخلی ایران و سیاست بین‌الملل وجود دارد. اکثر بر این باورند که آمریکا نقش محوری و راهبردی دارد. شکی نیست که قدرت مالی و نظامی آمریکا این کشور را در چنین جایگاهی قرار می‌دهد. نظریه دیگر این است که انگلیس در هدایت سیاست خارجی آمریکا به خصوص در خاورمیانه و ایران نقش دارد. هر دو تفکر درست است، زیرا هر دو کشور به صورت مشترک فعال هستند اما مهم، برتری راهبردی یکی بر دیگری است که باید در مقاطع مختلف زمانی و بحران‌های سیاست بین‌الملل تشخیص داد. بلر، نخست‌وزیر پیشین انگلیس، در تنظیم سیاست خارجی دولت بوش نسبت به جمهوری اسلامی ایران سهم بسزا دارد.

### نتیجه‌گیری

نویسنده در این تحقیق ضمن طرح یک نظریه جدید برای شناخت بهتر تحولات روابط بین‌الملل بر این باور است که نظم جهانی شکل‌گرفته از سال ۱۹۴۵ در روابط

بین‌الملل، نظامی است که توسط وینستون چرچیل، نخست وزیر زمان جنگ انگلیس طراحی شده و با کمک روزولت، رئیس جمهور وقت آمریکا اجرا شد. در واقع در مقاطع مختلف، نخست‌وزیران انگلیس با هوشمندی توانسته‌اند به صورت غیرمستقیم سیاست خارجی آمریکا را در راستای منافع ملی خود هدایت نمایند. شواهد تاریخی گویای این واقعیت است که انگلیس در طول تاریخ نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی راهبرد و استراتژی سیاست خارجی آمریکا داشته است. برای شناخت بهتر روابط بین‌الملل، بایستی به نقش انگلیس و سوءاستفاده این کشور از قدرت آمریکا توجه کرد. سیاست‌مداران انگلیسی توانسته‌اند با درگیرکردن آمریکا در جهان و جلوگیری از انزوای این کشور، از قدرت این کشور در راستای منافع خود بهره‌برداری کند. اشغال عراق توسط آمریکا نیز جزئی از طرح انگلیس برای جهانی‌سازی آمریکا و درگیرکردن بیشتر این کشور در بحران‌های بین‌المللی است تا زمینه تأمین بهتر منافع انگلیس فراهم شود.

نویسنده ضمن تمرکز بر نقش بلر در سوءاستفاده از قدرت آمریکا از سه زاویه، موضوع را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اول، دکترین یا جهان‌بینی بلر؛ دوم، شکل‌گیری گرایش‌های دولت بوش در آمریکا و ترکیب‌گرایش بوش و بلر و در نهایت مقایسه آنچه بلر فکر می‌کند و آمریکا انجام می‌دهد. نویسنده ضمن ارائه شواهد تاریخی تلاش دارد تا نظریه جدیدی برای فهم بهتر روابط انگلیس و آمریکا و تحولات بین‌المللی ارائه دهد. درک این موضوع به فهم میزان تأثیرپذیری سیاست خارجی آمریکا از انگلیس در قبال جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند.

1. Macmillan, Harold, (1984), War Diaries: Politics and War in the Mediterranean 1943-1945, New York: St. Marine's Press. .
2. Waltz, Kenneth N., (1979), Theory of International Politics, New York, p. 7.
3. Ibid, p. 3.
4. Ibid., p. 8.
5. Ibid., p. 9.
6. Ibid., p. 5.
7. Ibid., p. 7.
8. Ibid, p. 38.
9. Ibid., p. 5.
10. Ibid., p. 8.
11. Ibid, p. 9.
12. Tony Blair Speech, (1999), "Doctrine of the International Community", at the Economic Club, Chicago, 10 Downing Street, (24 April).
13. Gardner Richard N., (1985), "Sterling-Dollar Diplomacy in Current Perspective", International Affairs, London, (Winter) No. 1, p. 21.
14. De Gaulle, Charles, (1998), The Complete War Memoirs of Charles De Gaulle, New York: Carrol and Graf Press.
15. Woods, Randall B. & Howard Jones, (1991), Dawning of the Cold War: The US' Quest for Order, University of Georgia Press, pp. 11-12.
16. Thatcher, Margaret, (1992), Speech to the "Global Panel", The Hague, (15 May), in R. Harris, Op. Cit., pp. 511-528.

17. Prime Minister's Speech to the US Congress, 10 Downing Street, (18 July 2003).
18. Tony Blair, Speech, Op. Cit.
19. Ibid.
20. Press Conference by the President, The White House, (22 February, 2001).
21. Goldstein, Avery. (2001), "US Politics Toward Asia", Foreign Policy Research Institute, (April 17).
22. Rohatyn, Flex G., (2001), NYT, "US and France: We Still Need Each Other", in International Herald Tribune, (June 5).
23. Stephens, Philip, (2004), Tony Blair: The Making of World Leader, Viking, p. 187.
24. Remarks by the President and Prime Minister Blair in Joint Conference, Camp David, The White House, (February 23, 2001).
25. Ibid.
26. Prime Minister's Speech at the George Bush Senior Presidential Library, 10 Downing Street, (7 April 2002).
27. Transcript of the Press Conference Between Prime Minister Tony Blair and President Bush, 10 Downing Street, (6 November, 2001).
28. Ibid.
29. Cooper, Robert, (2006), The Breaking of Nations: Order and Chaos in the Twenty-First Century, in Espaces Temps, Net, (Avril).
30. "Blair the Neo-conservative?", B. B. C. News, (02.01.2004).
31. The Guardian, (23.10.2004).
32. President Bush, Prime Minister Blair Hold Press Conference, The White House, (April 6, 2002).

33. Prime Minister's Speech at the George Bush Senior Presidential Library, 10 Downing Street, (April 7, 2002).
34. Remarks by National Security Advisor Condoleezza Rice on "Terrorism and Foreign Policy", Johns Hopkins University, US State Department, (29 April, 2002).
35. Prime Minister's Iraq Statement to Parliament, 10 Downing Street, (September 24, 2002).
36. President Bush Discusses Iraq with Congressional Leaders, The White House, (September 26, 2002).
37. Prime Minister's Speech at the Foreign Office Conference, 10 Downing Street, (January 7, 2003).
38. Ibid.
39. President Delivers "State of the Union" The White House, (January 28, 2003).
40. President Bush Meets Prime Minister Blair, The White House, (January 31, 2003).
41. Prime Minister's Address to the Nation, 10 Downing Street, (March 20, 2003).
42. Prime Minister Speech to the Congress, 10 Downing Street, (July 18, 2003).
43. Report on the U.S. Intelligence Community's Pre-War Intelligence Assessment on Iraq, By: Select Committee on Intelligence, 108<sup>th</sup> Congress, (7 July, 2004), p. 34.
44. Ibid.
45. Ibid., p. 66.
46. Ibid., p. 71.
47. Senate Committee Report, p. 253.
48. The View Expressed by Senator Orrin G. Hatch and Senator Christopher S. Bond and Senator Pat Roberts, Ibid., p. 443.
49. Report of Select Committee on Intelligence, p. 446.

50. The View Expressed by Senator Richard Durbin and Senator Carl Levin and Senator D. Rockefeller Ibid., pp. 449-450.
51. Report of Select Committee on Intelligence, p. 459.
52. View Expressed by Senator Olympia Snow, p. 471.
53. Rockefeller, Jay, (2004), "Transcript: Senate Intelligence Committee Report Released" in Washington Post, (9 July).
54. Washington Times, (15 July, 2004).
55. "What Tony Blair Would Say to God", The Observer, (11 July 2004).
56. "Did Our Spies Let Us Down?", The Observer, (11 July 2004).
57. "Edwards Lauds Blair in Contrast to Bush", The Washington Times, (July 15, 2004).
۵۸. قبلاً مقامات کره شمالی درخصوص برنامه هسته‌ای خود تنها خواهان گفتگوی دوجانبه با آمریکا بودند و از گفتگو با چین و ژاپن و حتی روسیه سر باز می‌زدند.
59. Tony Blair Speech in Sedgefield, "Justifying Military Action in Iraq", 10 Downing Street, (5 March, 2004).
60. Ibid.
61. Mayer, Christopher, (2005), "DC Confidential: The Controversial Memoris of Britian's Ambassador to the U.S. at the Time of 9/11 & the Iraq War", Weidenfeld & Nicolson, p. 55.
62. Ibid., p. 57.
63. Ibid., p. 68.
64. Ibid., p. 88.
65. Ibid., pp. 103-104.
66. Ibid., p. 164.
67. Ibid., p. 153.

68. Ibid., pp. 168-169.

69. Ibid., p. 175.

۷۰. تفکر تغییر حکومت از ابتکارات بلر است. بلر به آمریکایی‌ها گفت: «من در تغییر سه حکومت میلوسویچ، سیرالئون و طالبان اقدام کرده‌ام». آمریکایی‌ها هم به تبعیت از بلر تغییر حکومت در عراق و سپس در ایران را مطرح کردند.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی